

توجه به این نکته است که در این مقاله، به بررسی رابطه بین جامعه روستایی و محیط آن پرداخته شده است. در ادامه، به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه روستاها و نقش دولت در این فرآیند پرداخته شده است. همچنین، به بررسی نقش زنان در جامعه روستایی و تأثیر آن بر توسعه روستاها پرداخته شده است.

مقاله از هانری مندرس

ترجمه دکتر عبدالعسین نیک کهر

جامعه شناسی محیط روستائی (۱)

برای آشنائی با موضوع و دامنه وجود جامعه شناسی روستائی، لازمست بدو با
بایضاح ابهاماتی پردازیم که در مطالعات جوامع روستائی وجود دارد.
محیط روستائی برای کلیه علوم اجتماعی زمینه مناسبی جهت تحقیق است و بررسی
آن موضوع دانش خاصی نیست. چنانچه افراد آن که روابط انسان با محیط طبیعی و
پراکندگی پدیده های انسانی را در روی زمین بررسی می کنند، بالطبع به مطالعه محیط
روستائی متمایل هستند. اقتصاد روستائی یکی از کهن ترین شاخه های علم اقتصاد بشمار
میرود. تاریخ اجتماعی نیز از زمانی شروع میشود که فعالیت عمده انسانها را کشاورزی
تشکیل می داد، و در این بخش از تاریخ اهمیت زیادی به توصیف زندگی دهقانی داده
شده است.

در جوامع با اصطلاح «ابتدائی» که مردم شناسان به مطالعه آن می پردازند، هم

Henri Mendras: Sociologie du milieu rural, dans
Traité de Sociologie, par G. Gurvitch, P.U.F. Paris-1958

انسانها صرف گردآوری یا تولید مواد غذایی می‌گردد. و بالاخره روانشناسان و جمعیت‌شناسان نیز به مسأله شهری و روستائی به يك اندازه توجه دارند. با اینکه روستائیان با انسانهای دیگر فرقی ندارند با وجود این در هر يك از علوم اجتماعی به نحوی خاص مورد بررسی قرار می‌گیرند و محیط زندگی آنان در نظر محقق علوم اجتماعی فردیت خاصی احراز می‌کند.

جامعه‌شناسی که به مطالعه محیط روستائی می‌پردازد، در صورتیکه از معاضدت گروه متخصصان مختلف بهره‌مند نباشد، لاقلاً بایستی چون مردم شناس باروشها و فنون علوم اجتماعی دیگر آشنائی داشته باشد. گوستی Gusti در مطالعات روستاشناسی خود در رومانی به خوبی بدین ضرورت پی برده است. وی با همکاری متخصصان مرکب از حقوقدان و کارشناسی امور کشاورزی و جز آن، توانست روستاهای منطقه نرژ Nerej را با روشی اصولی بررسی کند.

برعکس، جامعه‌شناسان روستائی ایالات متحده آمریکا تمایل داشته‌اند بررسی‌های خود را در يك رشته تمرکز بدهند و هیأت‌های متعدد تحقیقاتی آنان از متخصصان مسأله واحدی تشکیل می‌یابد. مثل گروه بررسی تفسیرات فنی، ارزش‌ها و گروه‌های مجاور و جز آن. توجیه این رویه دشوار نیست، زیرا جامعه‌شناسی روستائی ایالات متحده آمریکا ابتدا در کالج‌های کشاورزی بر اثر حمایت وزارت فدرال کشاورزی توسعه یافت که سعی داشت با بکار بستن فنون جامعه‌شناسی، روشهای ترویج کشاورزی را مؤثرتر سازد. از این لحاظ جامعه‌شناسی روستائی ایالات متحده آمریکا وضعی مشابه جامعه‌شناسی صنعتی آن دارد. این جامعه‌شناسی جزء نوعی ساخت اجتماعی می‌گردد که در نظر دارد آنرا اصلاح نماید، بدون آنکه کوششی در شناخت آن در تمامیتش کرده باشد. تنها چند مردم‌شناس آمریکائی مطالعات جامعی در مناطق کشاورزی نموده‌اند که نباید

کار آنان را به حساب جامعه‌شناسان روستائی آمریکا گذاشت.

اگر جامعه‌شناسی روستائی را يك نوع جامعه‌شناسی تخصصی کشاورزی تلقی نکنیم و موضوع بحث آنرا بررسی جوامع روستائی بدانیم، در این صورت برای شناخت جهات و سطوح مختلف حیات روستائی، همکاری کلیه علوم اجتماعی ضرورت پیدا می‌کند. در چنین موقعیتی جامعه‌شناس روستائی دو وظیفه برعهده خواهد داشت، یکی اینکه جوامع روستائی را با استفاده از تخصص و تجربیات شخصیش مورد بررسی قرار دهد، دیگر اینکه از مواد و مصالحی که محققان علوم اجتماعی دیگر در این زمینه برای او فراهم کرده‌اند بهره بگیرد. این حقیقت در کشورهای دهقانی کهنسال نظیر فرانسه واضح‌تر بچشم می‌خورد، در این ممالک جامعه روستائی در برابر جامعه کل از چنان استقلالی برخوردار است که تخفیف آن به يك گروه شغلی، یا يك بخش اقتصادی یا يك طبقه اجتماعی غیر ممکن می‌گردد.

از طرف دیگر جامعه‌شناسی که به بررسی محیط روستائی می‌پردازد، موظف است روش‌های تحقیق خود را با ساخت اجتماعی که در دست بررسی دارد مطابقت دهد. در این منطقه کوچک (ناحیه) همانطوریکه بعداً ملاحظه خواهیم نمود، در حد خوددنیائی نسبتاً مستقل است، برای درک ارتباط و پیوستگی نهائی آن باید به درون آن نفوذ کرد. «مطالعات پهنانگر» *Les études extensives* که در مورد مسأله معینی در مجموع مناطق وسیعی صورت گرفته است هرچقدر مفید باشد باز بدون منوگرافی‌های محلی که امکان میدهد مسأله بررسی شده‌ای را مجدداً در تمامی جامعه خاصی مورد رسیدگی قرار داد، مفهوم نمی‌گردند. بعنوان مثال، تردیدی نیست که جهانبینی روستائی تحت تأثیر خصوصیات زادگاهش قرار دارد، باید از تجزیه و تحلیل این خصوصیات بدرک جهانبینی روستائی نایل شد. بدین ترتیب معلوم می‌شود که منوگرافی ده یا «ناحیه»

یکی از بارورترین روشهای تحقیق برای جامعه شناس روستائی بشمار میرود .
 بالاخره استعانت از تاریخ برای مطالعه جوامع روستائی کهنسال ضروریست ،
 خاصه اگر این جوامع در معرض تغییرات سریع قرار گرفته باشند . در سالهای اخیر
 جامعه شناسی تاریخی روستاهای فرانسه بویژه مناطقی را که مورخین به گذشته آن
 صراحت بخشیده اند ، توجه جامعه شناسان را جلب نموده است . (۲) در این مقاله
 مختصر ، فرصت پرداختن بدین بحث نیست ، تنها به گفتن يك جمله اکتفا میکنیم که
 استفاده از منابع تاریخی برای مطالعات سوسیو - ژنتیک (اجتماع - وراثت) و تبیین
 وضع موجود جوامع حائز کمال اهمیت است .

باری ، گرچه جامعه شناس روستائی در استفاده ، از منابع علمی حدود و ثغوری
 برای خود قائل نیست لکن موظف به تحدید منطقه تحقیق خود میباشد ، و حدود
 این منطقه طوری نیست که بتوان از پیش آنرا مشخص کرد بلکه در جریان تحقیق
 باید بدین مهم پرداخت . انتقال از محیط روستائی به محیط شهری ، بطور نامحسوس
 و بتدریج در يك منطقه بر زخی صورت میگردد . چون تاکنون ملاک معتبری برای
 تشخیص محیط روستائی از محیط شهری در دست نیست ، بهتر است این پدیده در
 محل تحقیق مورد بررسی قرار گیرد

بدیهی است که محیط روستائی با مقایسه با محیط شهری شناخته می شود و
 تا وقتی که جامعه شهری وجود نداشته باشد ، جامعه روستائی بمعنی واقعی کلمه
 وجود نخواهد داشت ، بلکه جامعه بدوی یا ابتدائی خواهد بود . همانطور که
 ر. ردفیلد R. Redfield انسان شناس آمریکائی عقیده دارد ، وحشی هادر تجمعات

۲- رجوع کنید به : Henri Lefebvre: Les Communautés paysannes pyrénéennes.

محلّی کوچکی که بندرت تعدادشان از یکصد خانوار تجاوز می‌کند، بسر می‌برند و همگی در تحصیل غذا شرکت می‌جویند، و علقه‌های مستحکمی که آنها را بهم می‌پیوندد، سبب طرد، جهان خارج می‌گردد. برعکس روستائیان بوجود جامعه وسیع تری که آنها را در بر گرفته است آگاهی دارند، در قرون وسطی با وجودی که جامعه کل از بسیاری جهات تحت سلطه و نفوذ جامعه روستائی قرار داشت، اشرافیت و فئودالیت واقعیت اجتماعی متمایزی را تشکیل میدادند و موجودیت آن مورد قبول روستائیان بود گرچه بعضی با ناشکیبائی از آن تمکین می‌نمودند. کوتاه سخن اینکه جامعه روستائی پیوسته عنصر سازنده جامعه بزرگتری بوده است و در اجتماعات پیشرفته غربی با تفوق شهر نشینی، عنصری فرعی و مغلوب به حساب می‌آید.

گرچه محیط روستائی با ضروره با مقایسه با محیط شهری شناخته می‌شود مع‌ذالك و اجد برخی خصایص است که شکل ظاهری مخصوصی بدان می‌دهد و جامعه‌شناس روستائی در حول و حوش همین خصایص بایستی موضوعات تحقیق خود را جستجو کند

۱ - قید مسافت

انسانی که به کار زمین می‌پردازد بسختی در انقیاد محیط طبیعی قرار دارد جغرافیدانان کلیه روابط موجود بین کشاورز و زمین را بررسی کرده‌اند و اخیراً پیر زرژ (۳) این وظیفه جغرافیدانان را بکمال رسانیده است. جامعه‌شناس روستائی دیگر ضرورتی نمی‌بیند تحت عنوان «اکولوژی» مجدداً بکار جغرافیای انسانی بپردازد، برای او این مهم نیست که بداند انسان چگونه فضای مسکونی ایجاد می‌کند، بلکه مهم اینست که بداند انقیاد جامعه روستائی به مسافت چه نتایجی به

بار می آورد .

شهر و صنعت با تمرکز انسانها و ماشین در يك فضای محدود و احیاناً زیر يك سقف خود را از این قید رها نیده اند . برعکس کشاورز در فضای گسترده ای کار می کند ، زیرا زمین هم ماده و هم وسیله تولید اومی باشد ، کشاورز خواه ساکن يك منطقه زراعتی در ایتالای جنوبی باشد ، خواه ساکن يك مزرعه دور افتاده از بوکاژ (۴) برتانی در فرانسه ، در هر حال مسافت برای او يك عنصر اساسی است . کشاورز می تواند بدلخواه از فاصله اش با زمینی که روی آن کار می کند بکاهد اما با این عمل از همسایه هایش دور خواهد شد . هر قدر دلبستگی زارع به زمینش بیشتر شود ، رشته ارتباطش با دیگر انسانها سست تر خواهد شد .

جمعیت مناطق روستائی کشورهای کهنسال در طول زمان دچار نوسانات شدیدی شده است ، آنجا که دیروز از جمعیت اشباع بود ، امروزه بر اثر کوچ روستائیان از سکنه خالی شده است . بررسی حد متناسب جمعیت مناطق روستائی ، در فرانسه مراحل مقدماتی خود را طی می کند ، آلفرد سووی A. Sauvy بدنبال بررسیهای محلی ، اصول نظری آنرا تدوین نموده است .

سابقاً يك ده یا يك دهستان در حد خود دنیائی بحد کافی بزرگ و متنوع می نمود و می توانست از لحاظ جمعیتی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی مستقلاً به حیات خود ادامه دهد . هر خانواده روستائی با تولید مختصری از هر چیز ، احتیاجات اساسی خود را تأمین می کرد . صنعتگران ده وسایلی را که ساختن آن نیازمند مهارت خاصی بود ، تهیه می کردند ، و معمولاً برای انتخاب همسر از دهات اطراف دورتر نمی رفتند .

۴- Bocage منطقه ایست که در آنجا مزارع و چراگاهها با درخت با درختچه و بادبواره های

نتیجهٔ نیازمندیهای زندگی اجتماعی ده یا ناحیه در داخل آن برآورده می‌شد، و هر ده با ناحیه باجزئی تفاوت بدرشد تمدن خود ادامه می‌داد.

شرط این استقلال و اکتفای بخود را بایستی در تشابه ظاهری نوع زندگی و تفاوت وضع اقتصادی و خانوادگی و شخصی روستائیان، جستجو کرد: زندگی صنعتگرده، یا خرده مالکی که چندجفت گاو داشت و یا کارگری که از کار بازوان خود امرار معاش می‌کرد و احياناً صاحب يك خانهٔ محقر و يك تکه زمین نیز بود، از یکدیگر چندان فاصله‌ای نداشت. اما چه تفاوت عظیمی میان زندگی آن کشاورزی که همهٔ ثروتش در وجود يك جفت گاو خلاصه می‌شد و آنکه مالک مزارع وسیع و گله‌های متعدد گاو و اسب و رئیس خانوادگی بزرگ و ارباب رعایائی که در زمینهایش کار می‌کردند بود، وجود داشت! مردم شناسان (۵) نقش و وظایف طبقات سنی را که در بطن جامعه روستائی، گروه‌های واقعی را تشکیل می‌دادند، چنین تشریح نموده‌اند: برگزاری جشنها بر عهدهٔ جوانان ده بود، و امور اقتصادی را بزرگسالان اداره می‌کردند و محافظت از آداب و رسوم و فرهنگ جمع را پیران بر عهده داشتند. زن و مرد، دختر و پسر در هر سن و سال وظیفه‌ای را که رسم و عادت بدو محول کرده بود انجام می‌داد.

در نظر عامه، خانواده‌ها به سه دسته تقسیم می‌شدند: خانواده‌های خوب خانواده‌های قدیمی و خانواده‌های دیگر و بر اساس این ارزیابی اخلاقی خانواده‌ها که با ارزیابی وضع اقتصادی‌شان تکمیل می‌گردید، روابط افراد و ازدواج‌ها تعیین می‌شد. با چنین مختصاتی مقام هر کس در جامعه روستائی مشخص می‌گردید و هرگز دو نفری پیدا نمی‌شدند که مختصاتی کاملاً شبیه یکدیگر داشته باشند و هر کس عهده دار نقش

مخصوصی در تجانس ظاهری گروه بود .
 در کنار این عامه روستائی **خواص** قرار داشتند که عبارت بودند از : صاحبان
 مناصب ، نجبا یا بورژواها ، مالکینی که شخصاً از زمینشان بهره برداری نمی کردند ،
 اطبا ، ممیزها و صاحبان کارگاهها که بایستی به جمع آنان کشیشان و در این اواخر
 معلمان را نیز اضافه کرد . زندگی این طبقه بطور مستقیم یا غیر مستقیم از زمین تأمین
 می شد و به ده یا ناحیه ای متعلق بودند که در محصول آنجا سهمی داشتند .
 واقع اینکه از بسیاری جهات **خواص** خواهر روستائیان آنها را می پذیرفتند خواه
 طرد می نمودند در وجودشان تحقق آرمانهای خود را می دیدند و آنها را رابط میان خود و
 جامعه کل که هنوز به اسرارش پی نبرده بودند ، می دانستند . **خواص** مثل دیگر
 روستائیان به آداب و رسوم ده پای بند نبودند ، از خارج زن می گرفتند و بادیای خارج
 از ده ارتباط داشتند ، و وسعت بینش و معرفتشان موجب می شد از حدود معرفت متقابل
 گروهی که عضو آن بودند ، تجاوز کنند .
 جمعیت مناطق روستائی با اندکی تقدم و تأخر بر حسب منطقه در طول قرن
 نوزدهم به اوج خود رسید ، تا آنجا که در اثر افزایش جمعیت ده ، موازنه آن برهم خورد
 و از این پس دیگر ده قادر نبود کلیه احتیاجاتش را در داخل تأمین کند ، ناگزیر دروازه های
 بسته خود را بسوی دنیای خارج گشود ، و سنت اکتفای به خود در روستاها شکسته شد .
 کلرگران قبل از همه راه شهرها را پیش گرفتند تا در کارخانه های جدیدالتأسیس
 بکارگمارده شوند ، اندکی بعد تعداد زیادی از خواص ده را ترک کردند تا در دستگاههای
 دولتی استخدام شوند و یا در زمینه های صنعتی سرمایه گذاری کنند . کارخانه ها با تولید
 کالاهای صنعتی به قیمت ارزان با صنعتگران روستائین به رقابت برخاستند و نتیجه آن
 شد که دسته اخیر نیز بنوبه خود رو به شهرها نهادند . در این میان شهرهای کوچک نیز به سهم

خویش شاهد رکود صنایع دستی و تحلیل قدرت بازرگانان خود بودند. کشاورزانی در ده ماندند که پسرانشان نیز در جستجوی کار به شهرها رفته بودند. بدین ترتیب، جوامع روستائی که جمعیتش به نصف و گاهی به یک سوم تقلیل یافته و محدود به گروه تولید کننده مواد کشاورزی شده بود، عظمت و تنوعش را که ضامن استقلال اجتماعی و فرهنگی اش بود از دست داد. گرچه چند صباحی خانواده هائی سعی کردند استقلال اجتماعی دهات خالی از سکنه را حفظ نمایند، لکن کوشش آنها بیپوده بود، زیرا بزودی توسعه وسائل نقلیه انفرادی (دوچرخه - موتور سیکلت و اتومبیل) وسعت تازمائی به محدوده قدیمی ده بخشید.

همزمان با این تحولات تجارت و فعالیت های درجه سوم مثل حمل و نقل و بانکداری اهمیت خاصی در زندگی روستائی بدست آورد و جان تازه ای در کالبد بی رمق شهرهای کوچک دمیده شد که از نیم قرن باین طرف شاهد زوال تدریجی نقش مرکزیت خود نسبت به روستاهای اطراف بودند. چه بسیار قصبه های متروک اجیاء شد، و با مراکز جمعیتی تازه ای بجای مراکز از پیش رونق یافته بوجود آمدند. بدین ترتیب جامعه شناس روی نقشه ناظر پیدایش بنیان زراعی نوینی می گردد که با مقیاس قدیمی تفاوت دارد. زیرا سابقاً، ده سلول اصلی روستاهای فرانسه بود، احتمالاً فردا بخش یا یک واحد دیگر چنین موقعیتی را بدست خواهد آورد. در حالیکه قصبه های بزرگ و شهرهای کوچک به سرعت توسعه می یافتند، کانون های روستائی و سیلوهای تعاونی و مدارس یکی پس از دیگری احداث می گردیدند، دهات پر جمعیت به ده کوره هائی تبدیل می شدند که از ادامه ظواهر حیات اجتماعی خود نیز عاجز بودند، درده مدنی بود که کلیسا سوت و کور شده بود و صحبت از بستن مدرسه، و اعزام کودکان ده به مدارس بخش ها می شد.

سازمانهای روستائی مثل سندیکاهای کشاورزی، شرکت های تعاونی، صندوق

اعتباری و سازمانهای جوانان و سازمانهای اجتماعی دیگر، شبکه ارتباطات اجتماعی را این روستاها برقرار میگردند، مجالس رقص جوانان دارنده وسایل نقلیه را بسوی خود می کشید، و ازدواج خارج از گروه جای ازدواج داخل گروه را می گرفت.

گرچه مسافت همچنان قیود خود را به جامعه روستائی تحمیل می کرد ولی در اثر کاهش جمعیت روستاها و توسعه وسایل حمل و نقل، مقیاس آن تغییر یافته بود. برای روستائی تعلق باین ده با آن دیگری پیوسته حائز اهمیت است، زیرا مرزهای جغرافیائی بیش از مرزهای اجتماعی دنیای او را محدود می کنند. تردیدی نیست اگر مطالعاتی درباره شاخص های مسافت مختلف از لحاظ «جامعه شناسی روانی» در محیط روستائی صورت بگیرد، به نتایج با ارزشی منجر خواهد شد: تغییر محیط زیستی در نظر روستائیان چگونه تعبیر شده است؟ بی شک مفهوم مسافت معلوم یا نامعلوم و یا مبهم بکلی در ضمیر روستائیان تغییر یافته است، و کشاورز امروزه با باقی دنیا را مثل پدر بزرگش نمی بیند.

مسافت برای کارهای کشاورزی نیز یک قید اساسی است. اغلب به شوخی گفته می شود که کار کشاورزی با کار حمل و نقل چندان تفاوتی ندارد. معمولاً در صنایع ماشین ثابت مانده و مواد تولیدی حرکت می کنند، برعکس در کشاورزی ماشین آلات زراعی نسبت به زمین متحرک هستند. بدین ترتیب معلوم می شود که نقش ماشین بخار در تحولات صنایع کشاورزی اندک بوده است. تراکتورهای بخاری که در اواخر قرن نوزدهم در مزارع میدل وست Middlewest و یا پومرانی Poméranie بکار افتادند بزحمت بازده کارشان از بازده کار حیوانی تجاوز می کرد. ماشین بخار در صنایع کشاورزی فقط برای بکار انداختن ماشین خرمن کوب مورد استفاده قرار گرفت و در اصطلاح دهقانان فرانسوی کلمه ماشین برای خرمن کوب علم شد و آنها مصدر «ماشین کردن» را معادل «کوبیدن» بکار می برند.

با اختراع موتورهای انفجاری، اولین تغییرات اساسی در کار کشاورزی و ارتباطات

زمینی بوجود آمد. تراکتور وسعت تازه‌ای به پهنه روستاها بخشید. قبل از اختراع تراکتور، مقیاس اندازه‌گیری مزارع، مقدار سطحی بود که يك نفر زارع با ابزارش در يك روز میتواندست کار کند، در حالیکه امروزه سطح مزارع با كلريك ساعت تراکتور یا ماشین خرمن‌کوب اندازه گرفته میشود. کشاورز امروزه گرچه سریع‌تر در مزارع وسیع‌تر حرکت می‌کند لکن روابطش با زمین از لحاظ مسافت، اساساً همانست که بود. تنها ماشین «درو و خرمن‌کوب» کشاورز را تا اندازه‌ای از قید مسافت می‌رهاوند، زیرا با انجام دو عمل در يك وهله، از يك نوبت کار حمل و نقل و انبار کردن صرفه جوئی می‌شود. نباید فراموش کرد که بکار بردن ماشین آلات کشاورزی و استفاده از کشفیات علمی در زمینه کشاورزی مثل کودهای شیمیائی، اصلاح نژاد، دفع آفات، اصلاح نژاد دامها و تغذیه مناسب آنها، گاهی بازده زمین و دامها را دو تا پنج برابر افزایش داده است.

با انقلاب صنعتی اول تحولی در وضع روستاها بوجود نیامد و در قرن گذشته برعکس صنعت، کشاورزی پناهگاهی برای ثبات و تغییر ناپذیری و عدم تحرك باقی ماند آنچنانکه گوئی از زمان حضرت نوح هیچ چیز در کشاورزی عوض نشده بود، اما انقلاب صنعتی دوم موجبات دگرگونی واقعی را در زمینه کشاورزی فراهم نمود. روستاها با سرعتی بیش از سرعت اغلب بخش‌های صنعتی مکانیزه شدند: تعداد تراکتورهای کشاورزی فرانسه در مدت ده سال از پنجاه هزار به پانصد هزار بالغ شد.

غلبه فن در کار کشاورزی، تغییرات اساسی در رفتار زارع در برابر طبیعت بوجود آورد. دهقان قدیمی از قدرتهای طبیعت استفاده می‌کرد بی آنکه آنرا مهار کرده باشد و پیوسته مطیع آن بود، زمین بسرای او رفیق قدیمی ستمکاری بود که بایستی بوالهوسی‌هایش را تحمل کند. در حالیکه کشاورز امروزه بر طبیعت تسلط دارد و آنرا به میل و اراده خود تغییر می‌دهد، زمین دیگر برای او فاقد ارزش معنویست و عاملی

چون دیگر عوامل تولید بشمار می آید . طرز فکر کشاورز امروز به طرز فکر کارگر فنی نزدیک شده است ، بعلاوه بتدریج در او بینش اقتصادی نیز پدید می آید . در نظام اقتصادی جدید ، هدف تولید کنندگان مواد کشاورزی دیگر تأمین احتیاجات یک خانواده نیست بلکه به قصد فروش در بازارها تولید می کنند برخی چنین می پندارند که کشاورزی نیز به تبعیت از صنایع در شرکت های بزرگ سرمایه داری یا جمعی (کلکتیو) تمرکز پیدا خواهد کرد . لکن قید مسافت وعدم توفیق ماشین بخار ، بهره برداری خانوادگی را در کشاورزی قرین موفقیت ساخت ، حتی استفاده از ماشین آلات جدید کشاورزی نیز در اساس این وضع تغییری بوجود نیاورد ، زیرا ماشین درو خرمن کوب ، که از بزرگترین ماشین آلات کشاورزیست برای کار به بیش از سه نفر احتیاج ندارد ، ضمناً استفاده از ماشین آلات متعدد در کار کشاورزی مقرون به صرفه نیست . البته فنی شدن مداوم کشاورزی ، ادامه بنیان خانوادگی بهره برداری کشاورزی را با اشکال مواجه می سازد . زیرا این مسأله ایجاب می کند که کشاورزان تخصص بیشتری در امور زراعتی پیدا کنند . کشاورزان تنها بایستی رئیس و مدیر تجارنی بنگاه کشاورزی خود باشد بلکه لازمست نقش حسابدار ، کارشناس ، تعمیر کار و پرورش دهنده دام را نیز شخصاً انجام دهد و در ضمن بیشتر وقت خود را نیز به کار زمین بپردازد . بدین ترتیب برای او غیر ممکن است در جریان کامل پیشرفت های فنون متعددی که بدان عمل می کند ، قرار گیرد و از نوسان قیمت هادر بازار نیز مطلع باشد . کشت واحداً اندازه ای برای مقابله با چنین تخصص های مانعاً الجمعی بوجود آمده است . موکرو چوبدار متخصص هائی هستند که جز بانگور و انواع دام سروکاری ندارند ، با وجود این لازمست از تجارت نیز سررشته ای داشته باشند ، مخصوصاً چوبدار که بایستی تنزیل قیمت پیش خرید دام را نسبت به تغییرات قیمت فروش آن محاسبه کند .

۲- اختلاط نقش‌ها - اختلاط نقش‌ها در يك بنگاه زراعی مشکلات حاد اقتصادی و اجتماعی برمی‌انگیزد. تأسیس شرکت‌های متنوع تعاونی (خرید، مصرف اعتبار، مطالعات فنی، توسعه ماشین‌آلات کشاورزی و غیره) کشاورز را از انجام برخی از نقش‌های تخصصی (مدیرتجارتی، مشاغل بانکی، کارشناس زراعی) معاف می‌دارد، ولی در قدرت تصمیم‌او اندك خللی وارد نمی‌سازد. بدین نکته باید توجه داشت که در يك بنگاه زراعی مهندس پیوسته نقش يك مشاور را ایفا می‌کند و کمتر به مقام ریاست که در صنعت معمولاً بدست می‌آورد، میرسد. از دو حال خارج نیست اگر مهندس از طرف دولت استخدام و به مراکز کشاورزی اعزام شده باشد باید سعی کند که کشاورزان نظریاتش را بپذیرند و اگر از طرف گروهی تولیدکننده استخدام شده باشد بایستی در مراکز تعلیمات فنی کشاورزی به تعلیم آنها بپردازد. شرط توفیق در هر دو حالت آنست که کشاورز که عادهً پای بند معرفت‌های تجربی و سنت‌های قدیمی است به ارزش‌های علمی اعتقاد پیدا نماید. آنچه که کمتر پیش می‌آید.

در امر مدیریت اقتصادی بنگاه کشاورزی نیز به مشکلاتی مشابه برمی‌خوریم. مدیر يك کثوپراتیو یا رهبريك سدیگای کشاورزی تنها می‌تواند توسعه کشت فلان محصول را گوشزد نماید و بیش از آن کاری از دستش ساخته نیست. در وضع حاضر مکانیسم تصمیمات جمعی و فردی یکی از مشکلات اساسی تحول کشاورزی سیستم سرمایه‌داری است، و ایجاد کثوپراتیوهای متعددالوظایف در چین و یوگسلاوی نشان دهنده آنست که مشکلات تخصص کشاورزی در رژیم‌های کلکتیو (مالکیت جمعی) نیز احساس می‌شود.

اختلاط نقش‌ها بویژه وقتی که بنگاه زراعی و خانواده کشاورز در هم ادغام شده باشند، دوچندان می‌گردد. زیرا در چنین حالتی کشاورز نه تنها در تصمیماتش باید به عوامل اقتصادی توجه نماید، بلکه بایستی بهمان نسبت نیز عوامل خانوادگی را مراعات نماید. پدر خانواده که رئیس بنگاه زراعی هم هست در عین حال برای فرزندانش

وظیفه استاد کار آموز را نیز انجام می دهد . مادر خانواده نیز اغلب وظیفه حسابداری بنگاه را به عهده دارد . خلاصه اینکه در کار کشاورزی تفاوت محسوسی میان کار مولد اصلی و کارهای متفرقه منزل و اوقات فراغت وجود ندارد . کارگری که پس از فراغت از کار روزانه اش در کارخانه ، در باغچه منزلش به سبزیکاری می پردازد و یا برای سرگرمی اش ماکت هواپیما می سازد ، در واقع به «وقت گذرانی فعال» پرداخته است . و نمیتوان او را با کشاورزی که بعد از کار روزانه اش به بافتن سبدمشغول می شود و یا روزنامه سندیکایش را می خواند ، مقایسه کرد . چگونه میتوان انتظار داشت که يك بنگاه زراعی که رئیس آن پدر مهربان خانواده است و بیش از آنکه روحیه مقاطعه کاری داشته باشد روحیه يك نفر مصرف کننده را دارد ، خوب اداره بشود برای يك تولیدکننده خرید تراکتور در واقع نوعی سرمایه گذاری شمرده می شود و در ضمن آنکه از مشقت کار کشاورزی می کاهد ، برای خانواده نیز اعتبار و افتخار کسب می کند ، و در تحلیل نهائی هدیه ایست که پدر بدان وسیله می خواهد پسرش را به کار زمین علاقمند سازد .

بهر کیفیت که باشد کشاورز در کارهایش حساب می کند ، لکن شیوه محاسبه او متفاوت از شیوه محاسبه اقتصاد دان است . چنانچه شیوه محاسبه او را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم ، می بینیم که مفهوم اقتصادی وی کاملاً متفاوت از مفاهیم اقتصاددانان کلاسیک است ولی بهیچوجه فایده و اهمیتش کمتر از آنها نیست .

جامعه روستائی بر اختلاط نقش ها بنا نهاده شده است ؛ زیرا جامعه مذکور گروه «شناخت متقابل» است که در آن هر کس از شخصیت و خصوصیات دیگری ادراکی کلی و غیر وظیفی دارد . با کم و بیش تفاوتی همان کسانیکه در شورای عمومی ده عضویت دارند . شورای سندیکا را نیز اداره می کنند و در جلسات شرکت های تعاونی نیز حضور می یابند (بد شرط آنکه لااقل تمایلات سیاسی متفاوتی نداشته باشند) . هر مشاور و هر مدیری کلیه نقش های اجتماعی و همه وجوه شخصیت همکارانش را به خوبی می شناسد . برای روستائی

اداره و مدیر آن چندان تفاوتی ندارند، بخش‌داری همان بخش‌دار است و کلیسا همان کشیش. حیات اجتماعی از کنش‌های متقابل افراد بوجود می‌آید و هر حادثه‌ای منشاء فردی دارد. کارکرد مؤسسات و وظایف انتزاعی و کلی از حیطة تجربیات اجتماعی روستائیان بیرون است، و در نتیجه آنها نمی‌توانند به آسانی به فهم کارکرد دستگاه سیاسی و اقتصادی کلی نایل شوند. تجسمی که روستائیان فرانسه، آنطوریکه از مکالمات و ادبیات روستائی برمی‌آید، از جامعه فرانسوی و حکومت دارند. این فرضیه را تأیید می‌کند.

از طرف دیگر این نظام «شناخت متقابل» هر نوع انتخابی را در روابط اجتماعی منع می‌کند. در روستا، دوست وجود ندارد، مردم باهم یا همسایه‌اند یا خویشاوند. همه باهم در چنان صمیمت جمعی پایداری زندگی می‌کنند که بر اساس نزدیکی مکانی و خانوادگی و قرابت منافع اقتصادی و اشتغالات سیاسی و پادپنی میانشان روابط خصوصی برقرار می‌گردد.

حسن جریان حیات جامعه روستائی ایجاب می‌کند که هر کس لااقل به ظاهر آداب و رسوم و ارزشهای معتبر جامعه را بپذیرد. هر کس که بکاری عجیب و غریب دست بزند خللی در حسن جریان حیات اجتماعی روستا وارد می‌سازد. بدین علت است که در مجالس عمومی هیچکس نمی‌خواهد قبل از دیگران عقیده‌ای ایراز کند و هر کس منتظر می‌ماند تا عقیده مشترکی اظهار شود آنگاه، موافق یا مخالف، بدان بپیوندد. از طرف دیگر اهمیت ناچیزی که محیط روستائی برای عقاید و بیان شفاهی آن بخصوص قائل است به پایداری چنین نظامی مدد می‌رساند. رویه هر کس از خلال رفتارهای شناخته شده‌ای که معانی صریح و روشن آنرا همه درمی‌یابند، متظاهر می‌شود، در این مورد حرف زدن نه تنها کمکی نمی‌کند بلکه غالباً باعث ابهام معنی رفتاری می‌شود که رویه شخص آنرا نوجیه کرده است.

در چنین شرایطی مکانیسم مراقبت اجتماعی کاملاً متفاوت از مکانیسم آن در محیط

شهری است . روستائی کافیست شخصی را در ساعت معینی در محلی ببیند ، و از پیش خود تعیین کند که آن شخص چگونه وقتش را می گذراند ، و اگر تصادفاً حضور آن شخص غیر عادی باشد با پرس و جوی سریعی از دیگران ، تهوتوی قضیه را درمی آورد .

بدیهی است افرادی که در چنین محیطی پرورش یابند و بزرگ شوند قطعاً واجد خصوصیات ویژه ای می گردند . جای بسی تأسف است که مطالعاتی درباره نکوین شخصیت در بطن خانواده و جامعه روستائی تا کنون صورت نگرفته است (۶) کودک روستائی عمیقاً در محیط زندگی جذب شده است . او بزودی بارگران مسئولیت زندگی را بردوش می گیرد و به سهولت همانند پدر و مادرش می شود . در وهله اول چنین بنظر میرسد که محیط روستائی برای تکمیل پیش رس شخصیت فرد محیط مساعدی است ، در صورتیکه برعکس ، عدم تحصیل استقلال واقعی تا زمانیکه پدر مدیر بهره برداری و رئیس خانواده است ، سن کمال جوان روستائی را بتأخیر می اندازد . وانگهی کودک و جوان روستائی تمایل زیادی به فرار از محیط روستا داشته و بطور کلی از موقعیت خود در جامعه روستائی خرسند نیستند .

همین خصوصیتانی که به اجمال بیان شد ، اصالت جامعه روستائی را نسبت به جامعه شهری نشان می دهد . جامعه روستائی با اصالت ساخت اجتماعی و محدودیت گروه هایش محیط بسیار مناسبی برای مطالعه جامعه شناس است . با وجود این درباره مسائل فوق مطالعات بقدری کمیابند که نمیتوان از محدوده فرضیات عمومی پافران نهاد و آنها را در واقعیت محیط روستائی مورد تجربه قرار داد .

۶- در این باره رجوع کنید به : Maurette, Gratiot - Abphandéry, *Loisirs et formation culturelle de l'enfant rural*, Paris, P.U.F. 1956. et A. Duffaure et j. Robert, *Une méthode active d'apprentissage rural*, Les Cahiers de l'exploitation familiale, Paris, E.A.M., 1955